

## عوامل مؤثر در حالت موسیقایی وزن شعر پارسی

عبدالحمید اسماعیل پناهی\*

### چکیده

حالت موسیقایی یک وزن ممکن است شاد و سبک و یا غم‌انگیز و سنگین باشد. این موضوع مرهون عوامل ذیل است که ما در این نوشته به شرح هر یک از آن‌ها خواهیم پرداخت:

۱- نسبت هجاهای کوتاه به هجاهای بلند؛

۲- ترتیب قرار گرفتن هجاهای کوتاه و بلند؛

۳- تغییر طولی مصراع‌های شعر.

کلیدواژه‌ها: وزن، موسیقایی، شاد، تند، ضربی، غم‌انگیز، سنگین، هجای کوتاه، هجای بلند، ارکان عروضی، مفاعیلن، فاعلاتن، فَعْلَاتُنْ، مُسْتَفْعِلُ، مَفْعُولُ و فاعِلاتُ.

## وزن

«وزن نوعی تناسب است». تناسب کیفیتی است حاصل از ادراک وحدتی در میان اجزای متعدّد که اگر در مکان واقع شود، آن را قرینه می‌خوانند و اگر در زمان اتفاق افتند، وزن نامیده می‌شود.

## اهمّیت وزن در شعر

همان‌گونه که می‌دانیم، وزن یا موسیقی یکی از سه عنصر مهم پدیدآورنده یک شعر خوب به شمار می‌رود. یعنی وزن یا موسیقی می‌تواند در کنار دو عنصر تصویر یا خیال، و عاطفه نقشی معجزه‌آسا در ابلاغ مؤثر پیام شعر به مخاطب ایفا کند و بدیهی است که این مهم بر ظریف‌طبعان و صاحب‌نظران شعر و ادب پارسی پوشیده نیست؛ تا جایی که دکتر شفیعی کدکنی استاد دانشگاه تهران و شاعر خوش ذوق معاصر، در کتاب موسیقی شعر خود می‌نویسد اگر در کتاب صور خیال در شعر فارسی شعریتنی برای به اصطلاح «شعر سپید» یا بی‌وزن، قائل شده‌ام، در اینجا حرفم را پس می‌گیرم.

## هدف کلی

می‌دانیم که هر شعری با توجه به محتوا و حالت عاطفی اش به طور طبیعی پذیرای وزنی سبک یا شاد و سنگین یا غم‌انگیز است. یعنی شاعر خوب هرگز وزنی را آگاهانه برای شعر خود بر نمی‌گزیند، بلکه وزن شعر با محتوای آن هم‌زمان به او الهام می‌شود. اکنون ما برآنیم تا عواملی را که در پیدایش وزن‌های سبک یا شاد و سنگین یا غم‌انگیز مؤثرند، در این نوشته به تفصیل بازنماییم.

## پیشینه تحقیق

تا آنجا که بنده حقیر جست‌وجو کرده است، کاری مستقل در زمینه «عوامل مؤثر در چگونگی و حالت موسیقایی وزن شعر پارسی» نوشته نشده و تنها در برخی از آثار، اشاراتی پراکنده در این باره به چشم می‌خورد.

عوامل مؤثر در چگونگی و حالت موسیقایی وزن شعر پارسی عبارتند از:

## الف - نسبت هجاهای کوتاه به هجاهای بلند:

اصولاً در زبان فارسی واژگانی که شماره نسبی هجاهای کوتاه «شدید» در آنها نسبت به هجاهای بلند بیش‌تر باشد، حالت عاطفی شدیدتر یا مهیج‌تری را به شنونده یا خواننده القاء می‌کنند و به‌عکس، واژگانی که شماره نسبی هجاهای بلند «ضعیف» در آنها نسبت به هجاهای کوتاه بیش‌تر است، موجب حالت عاطفی ملایم‌تر و سنگین‌تری در مخاطب می‌شوند. از آنجا که ساختمان واژگان زبان فارسی به گونه‌ای است که هجاهای کوتاه آن کم‌تر از هجاهای بلند است، معمولاً زیادترین حد هجاهای کوتاه نسبت به هجاهای بلند در اوزان شعری نصف به نصف است. اینک برای نمونه دو وزن گوناگون را در ابیات ذیل با هم مقایسه می‌کنیم:

۱. مرده بدم، زنده شدم؛ گریه بدم، خنده شدم

دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم

۲. روزگارست این که گه عزت دهد، گه خوار دارد

جرخ بسازبگر زمین بازبچه‌ها بسیار دارد

وزن نخست که هر مصراع آن از چهار «مفتعلن» تشکیل شده، نسبت هجاهای کوتاه به بلندش هشت به هشت است؛ اما وزن دوم در هر مصراع چهار «فاعلاتن» دارد که این نسبت در آن چهار به دوازده است؛ یعنی هجاهای بلند آن سه برابر هجاهای کوتاه است. پس وزن نخست باید تندتر و مهیج‌تر باشد و چنین است.

هم چنین وزن «مُفتَعْلُن، فاعِلُن، مُفتَعْلُن، فاعِلُن» بیت:

آه که دریای عشق بار دگر موج زد / وز دل من هرطرف چشمه خون برگشاد

با نسبت هجاهای کوتاه به بلندشش به هشت تندتر و شادتر است از وزن «فاعلاتن، فاعلن، فاعلاتن، فاعلن» بیت:

گر به بستان بی توایم، خار شد گلزار ما / ور به زندان با توایم، گل بروید خار ما

زیرا نسبت هجاهای کوتاه به بلند آن کم‌تر از بیت پیشین (یعنی چهار به ده) است.

## ب - ترتیب قرار گرفتن هجاهای کوتاه و بلند:

دیدیم که هجاهای کوتاه مانند آهنگ‌های تند، شاد و هیجان‌انگیزند؛ ولی آیا تنها همین عامل در حالت موسیقایی وزن دخالت دارد؟ آیا زیاد بودن شماره نسبی هجاهای کوتاه همیشه و به‌طور یکسان وزنی تند و شاد پدید می‌آورد؟ پاسخ این سؤال منفی

است؛ اگر دو وزن ذیل را که نسبت هجاهای کوتاه به بلند، در هر دو، شش به هفت است، مورد توجه قرار دهیم، موضوع بهتر روشن می‌شود:

۱. دی سحری برگذری گفت مرا یار  
شيفته و بی‌خبری، چند ازین کار؟!  
- «مُفْتَعِلُنْ، مُفْتَعِلُنْ، مُفْتَعِلُنْ، فَعْ»؛

۲. ای ستاره‌ها که بر فراز آسمان بر جهان ما نظاره‌گر نشستہ‌اید!  
- «فَاعِلَاتُ، فَاعِلَاتُ، فَاعِلَاتُ، فَعْ».

می‌بینیم که علی‌رغم یکسان بودن نسبت هجاهای کوتاه به بلند در هر دو، وزن بیت نخست، شاد و ضربی و رقص‌انگیز است؛ در حالی که وزن بیت دوم، سنگین و غمناک به نظر می‌رسد. پس عامل دیگری نیز در حالت موسیقایی وزن دخالت دارد و آن، ترتیب قرار گرفتن هجاهای کوتاه و بلند است؛ زیرا در بیت نخست، ترتیب هجاهای کوتاه و بلند به صورت دو هجاهای کوتاه در میان دو هجای بلند است، ولی در بیت دوم، به طور متناوب، یعنی یک هجای بلند و یک هجای کوتاه، یک هجای بلند و یک هجای کوتاه و اختلاف دو وزن تنها در همین عامل است. مقایسه این دو وزن با سه وزن زیر که در تعداد و نسبت هجاهای کوتاه و بلند، با آن دو وزن یکسانند، بر نقش عامل ترتیب هجاهای کوتاه و بلند در حالت موسیقایی وزن بیش‌تر تأکید می‌کند.

۱- کو آن‌که ز غم دست به جایی زدمی؟  
با در طلب وصل تو راهی زدمی؟

«مَفْعُولُ، مَفَاعِيلُ، مَفَاعِيلُ، فَعْلُ» که مساوی است با وزن:

«مُسْتَفْعِلُ، مُسْتَفْعِلُ، مُسْتَفْعِلُ، فَعْ»؛ این وزن که وزن اصلی رباعی است، وزنی شاد و خوش است.

۲- بنفشه رُسته از زمین به طرف کُھسار  
و یا گسسته حور عین ز زلف خود تار

«مَفَاعِلُنْ، مَفَاعِلُنْ، مَفَاعِلُنْ، فَعْ»؛ این وزن، ضربی و یکنواخت و نسبتاً شاد است.

۳- خُتک آن را که به علم و به عمل هر شب  
به سرای اندر با فرش و آزار آید  
«فَعْلَاثُنْ، فَعْلَاثُنْ، فَعْلَاثُنْ، فَعْ»؛ که وزنی سنگین است. چون در این اوزان، نسبت هجاهای کوتاه و بلند یکسان (یعنی شش به هفت) است، با در نظر گرفتن ترتیب توالی هجاها، می‌توان نتایج زیر را گرفت:

الف - هجاهایی که دارای نظم‌های ذیلند، شدند:

۱- دو هجای کوتاه میان دو هجای بلند «مُفْتَعِلُنْ»؛

۲- دو هجای کوتاه بعد از هجای بلند «مُسْتَفْعِلُ»؛

۳- هجاها متناوب و در آغاز هجای کوتاه «مفاعِلُن».

ب- هجاهایی که دارای نظم‌های ذیلند، سنگین و ناشادند:

۱- دو هجای بلند بعد از دو هجای کوتاه «فَعْلَاتُن»:

۲- هجاها متناوب و در آغاز هجای بلند «فاعِلَاتُ».

به هر حال عامل «نظم» در حالت موسیقایی وزن بسیار تأثیر دارد. برای بهتر دریافتن رابطه ترتیب هجاهای کوتاه و بلند با حالت موسیقایی وزن، دو بیت زیر را که وزن آن‌ها متفاوت اما واژگان و مضمونشان یکسان است، در نظر می‌گیریم:

۱- بار ز من دل ربود، بار ز من رخ نهفت / بار ز من جان بخواست، بار دل از من برفت

۲- ز من دل ربود یار، ز من رخ نهفت / بار من جان بخواست یار، دل از من برفت یار

شعر نخست که بر وزن «مُفْتَعِلُن، فاعِلُن، مُفْتَعِلُن، فاعِلُن» است، بسیار تند و ضربی و سبک و شاد است و وزن بیت دوم (مفاعیلُ، فاعِلُن، مفاعیلُ، فاعِلُن)، سنگین‌تر و آرام‌تر است.

دو بیت زیر که نسبت هجاهای کوتاه و بلند آن‌ها یکسان (هر دو هشت به هشت) است، نیز رابطه ترتیب هجاهای کوتاه و بلند را با حالت موسیقایی وزن، به خوبی نشان می‌دهد:

۱- نه شبم، نه شب پرستم، که حدیث خواب گویم

چو غلام آفتابم همه زآفتاب گویم

۲- صنما! خرگه توام که بسازی و برکنی

قلمم به دست تو که تراشی و بشکنی

وزن نخست (فَعْلَاتُ، فاعِلَاتُن، فَعْلَاتُ، فاعِلَاتُن) تند و پر جاذبه است، ولی وزن دوم (فَعْلَاتُن، مفاعِلُن، فَعْلَاتُن، مفاعِلُن)، ضربه‌ای و مقطع با مضمونی شاد و در عین حال با صلابت؛ زیرا در دو بیت فوق، ارکان متفاوتند.

اهمیت ترتیب هجاهای کوتاه و بلند تا به آن پایه است که وزن: «مفعولُ، مفاعیلُن، مفعولُ، مفاعیلُن» بیت:

کی شعر ترا نگیرد خاطر که حزین باشد / یک نکته ازین دفتر گفتیم و همین باشد

با نسبت هجاهای کوتاه به بلند چهار به ده، علی‌رغم مضمون حزن‌انگیزش، تندتر و شادتر است از وزن: «فَعْلَاتُن، مفاعِلُن، فَعْلَاتُن، مفاعِلُن» بیت:

صنما! خرگه توام که بسازی و برکنی / قلمم به دست تو که تراشی و بشکنی

که نسبت هجاهای کوتاه به بلندش هشت به هشت است.

### ج- تغییر طولی مصراع‌ها:

با بررسی بیش‌تر درمی‌یابیم که عامل دیگری نیز در تعیین حالت و کیفیت موسیقایی وزن، نقشی بسزا ایفا می‌کند؛ چنان‌که این عامل، دو عامل پیشین را در این موضوع تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و آن، چیزی جز تغییر طولی مصراع‌ها نیست. برای مثال اگر وزن «هزج مَثْمَنّ سالم» را با «هزج مسدّس سالم» مقایسه کنیم، می‌بینیم که اولی وزنی شاد و خوش است و نیز کاربردی بیش‌تر دارد، ولی دومی چندان شاد نیست و کاربردی بسیار کم دارد.

۱- وزن «هزج مَثْمَنّ سالم» (مَفَاعِلُنْ، مَفَاعِلُنْ، مَفَاعِلُنْ، مَفَاعِلُنْ):

به مژگان سیه کردی هزاران رخنه در دینم      بیا کز چشم بیمار هزاران درد برچینم

۲- وزن «هزج مسدّس سالم» (مَفَاعِلُنْ، مَفَاعِلُنْ، مَفَاعِلُنْ):

شب دوشینه در سودای او خفتم      وزان امروز با تیمار و غم جفتم

این موضوع در مورد دیگر ارکان عروضی مانند «فَاعِلَاتُنْ»، «مُسْتَفْعِلُنْ» و «فَعَلَاتُنْ» نیز صدق می‌کند. به‌طور کلی وزن «مَثْمَنّ سالم» از «مسدّس سالم» خوش‌تر است. رابطه طول مصراع‌ها با کیفیت موسیقایی وزن، در بحوری که دارای ارکانی گوناگون هستند، بیش‌تر محسوس است. مثلاً وزن: «مَفْعُولُ، مَفَاعِلُنْ، مَفَاعِلُنْ، فَعْ» که از گونه‌های وزن رباعی است، وزنی خوش و نرم است:

از شمع سه گونه کار می‌آموزم      می‌گیرم و می‌گذازم و می‌سوزم

حال اگر از آخر این وزن یک هجا حذف کنیم، (مَفْعُولُ، مَفَاعِلُنْ، مَفَاعِلُنْ)، وزنی سنگین و باصلابت می‌شود:

ای خواجه! جهان بس حیلی داند      از غدر همی به جادوی ماند

ولی اگر از آخر آن دو هجای بلند حذف کنیم (مَفْعُولُ، مَفَاعِلُنْ، فَعُولُنْ)، وزنی تند و ضربی و شاد به دست می‌آید:

ای غزه شده به پادشاهی!      بهتر بنگر که خود کجایی

چنان‌که می‌بینیم در این سه وزن، تغییر نسبت هجاهای کوتاه به بلند بر تغییر طولی وزن، عاملی فرع است زیرا از وزن نخست یک هجا کاستیم، وزنی خوش به وزنی باصلابت و سنگین بدل شد، اما بار دیگر که دو هجا کم کردیم، وزنی تند و ضربی و شاد

به دست آمد؛ حال آن‌که اگر تغییر نسبت، عامل اصلی می‌بود، می‌بایست با حذف یک  
هجای بلند دیگر، وزن سنگین‌تر می‌شد.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

- رجایی، احمدعلی: پلی میان شعر هجایی و عروضی، انتشارات قدس، ۱۳۵۵.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا: موسیقی شعر، تهران: سخن، ۱۳۵۸.
- شمیسا، سیروس: عروض سال چهارم دبیرستان، ۱۳۵۹.
- فرزاد، مسعود: مجموعه اوزان شعر فارسی، مجله خرد و کوشش، دفتر چهارم، شیراز: ۱۳۴۹.
- ...: معیارالشعار، تهران: ۱۳۲۰.
- ناتل خانلری، پرویز: وزن شعر فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۴۵.
- نجفی، ابوالحسن: «دربارۀ طبقه بندی وزن های شعر فارسی»، مجله آشنایی با دانش، ش ۷، فروردین ۱۳۵۹.
- وحیدیان کامیار، تقی: وزن و قافیه شعر فارسی، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی